

یلدایی با دانایان



ابراهیم عمران

روزنامه‌نگار

هرسال که به پایان پاییز می‌رسیم و آغاز زمستان؛ شب یلدایی است که برای خیلی‌ها اصولاً هیچ معنایی ندارد. با وجود این همه در بوق و کرنا کردن این‌شب طی سال‌ها و این سال‌های اخیر هم با مدد شبکه‌های اجتماعی؛ درواغ خیلی از خانواده‌ها هیچ برنامه خاصی برای این شب ندارند. جدای از گرانی و آرگا‌های اقتصادی که سبب‌ساز دور هم نبودن افراد فامیل می‌شود؛ نگره دیگری نیز در این بین وجود دارد که کمتر بدان پرداخته می‌شود. انگاره‌ای که شاید ریشه در تفکر و اندیشه تک‌تک‌مان داشته باشد. اگر دوره‌می‌ها را جدا از صرف شام و اجرای مناسک تعریف‌شده یلدا بدانیم، امر دیگری نیز فی‌نفسه باید وجود داشته باشد؛ آن‌هم، شنیدن و گوش‌سپردن به دانای کاملی است که به‌هرحال در هر خانواده‌ای وجود دارد. این دانای کل لاجرم نباید در حوزه خاصی تبحر داشته باشد. می‌تواند هم‌زمان از اجتماع، سیاست و اقتصاد بگوید. این گفتن‌ها هم لزوماً به‌معنای حل مسائل این حوزه‌ها نیست؛ بلکه بیان بی‌روتوش آنها و اندکی تلطیف اوضاع است فقط. به‌راستی در این شب‌نشینی مناسکی - که بسیار هم لازم و بودنش موجب غنیمت ملی و میهنی است - تا چه‌حد به این نگره فکری توجه می‌شود. این میهمانی چه تفاوتی با دگر دوره‌می‌های مرسوم دارد. جز آنکه کمی میوه و تنقلات احتمالی‌اش بیشتر و تفأل‌ی هم به‌حافظ در کنارش؛ با همه بدخواشن‌های همیشگی‌اش! گفته شد که یکی از ایرادهایمان گوش‌نشدن است. گوش‌نسیردن به داناهای موجود در بین‌مان. چه که همگان خوشتر را دانای کل می‌دانیم. متکلم وحده‌ای که سر از همه امور درمی‌آوریم. بارها در فیلم‌ها و سریال‌های هالیوودی دیده شده که در روز جشن شکرگزاری، بزرگ خانواده در میز شام به صحبت می‌پردازد. جدا از شکرگزاری بابت نعمات سال پیش؛ مواردی را هم مطرح می‌کند که مانیفست سال بعد خانواده در آن گنجانده می‌شود. حال تا چه‌حد به مرحله اجرا درآید، امر دیگری است. ولی روح و کردار این کار، بسیار نیک و پسندیده است. اینجا اما اگر شب‌چله‌ای هم برپا شود و به خانه بزرگان رهسپار شوند اعضای فامیل، آنچه اهمیت ندارد، تجربه و سپیدمویی این سالخوردگان دنیادیده است. هر چند شاید دراین‌میان باشند بزرگان سنی‌ای که نباید محل مشورت و نظر قرار گیرند؛ ولی قاطبه موسفیدکرده‌های ایرانی، قابل اتکای نظری و معنوی هستند. ای کاش فرصت بیشتری بدان‌ها در این شب داده شود. از داشته‌های ذهنی‌شان بهره بیشتری برد. مقصود آن نیست که در این معنا در پی نظریه‌پردازی و ابراز عقیده خاصی باشیم. مراد به‌هیچ‌عنوان این نگره نادرست نیست. ازطرفی، نگوییم روز پدر و مادر برای همین احترام‌نهادن‌های ایرانی و اسلامی‌مان است. نه خلط موضوع نشود. یلدا، نوزایی طبیعت است. دست‌برقضا سه‌ماه قبل‌تر از نوزایی سال جدید. می‌توان آن را موجب برکت روح و روان اطرافیان دانست، در کنار دانش بزرگان. کاش مفاهیم یلدایی را در مناسک‌های تعریف‌شده بعضاً غیرقابل قبول پایین نیاوریم. می‌توان یلدا را جدا از دوره‌بودن فامیل، جور دیگری نیز دید. چه ایرادی دارد از یلدایی بگوییم که اندیشه و خرد برتر در آن حرف اول را می‌زند. مشکل نهادینه‌شده در روح و روان‌مان که «انا و لاغیری» است را کناری بنهیم. این شب می‌تواند نوع دیگری از تفکر را هم به ما هدیه دهد. احترام به بزرگ‌تر فقط رفتن و دست‌بوسی نزدشان نیست. این مهم را می‌شود در کنار فرصت ابراز وجودی‌شان قرار دهیم. باورشان کنیم که در بسیاری از موارد، برتر و بهتر از ما موشکاف هستند. حایله که اوضاع اجتماعی، روحی و روانی بسیاری از ایرانیان در پایین‌ترین درجات تعریف‌شده علمی قرار دارد؛ یلدایی بسازیم که در آن، قدرت تفکر و صوری‌مان افزون شود. دل‌دادگی‌مان به زندگی، معنای دیگری یابد. تک‌گویی‌های‌مان را پایانی دهیم و گوش به داناهایی دهیم که: دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند/ و اندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند.

شکلی از مراقبت از طبیعت است، مصرف‌گرایی افراطی در این جشن، نوعی تهاجم به طبیعت است؛ به‌ویژه در شرایط جامعه ایران که بابحران‌های اقلیمی شدید روبه‌رو است. مسئله اصلی در مصرف‌گرایی افراطی این است که رفتار مغایر با اصول مراقبت از طبیعت، فراگیر می‌شود و کم‌کم آیین‌های ایرانی که آیین‌های مراقبت از طبیعت هستند، به ضدخودشان تبدیل می‌شوند. از نظر انسجام اجتماعی هم آیین‌های ایرانی همانطور که گفتم بر پایه اصل مراقبت از یکدیگر و مراقبت از دیگری استوار هستند، اگر مصرف‌گرایی افراطی بتواند در قانون آیین‌ها قرار گیرد- به‌ویژه در حال حاضر که اکثریت مردم قادر نیستند به‌لحاظ اقتصادی سبور وسات آیینی را تدارک ببینند. پیامد چنین وضعیتی، نمایش خشونت‌باری از فاصله‌های طبقاتی در جامعه خواهد شد. در نتیجه‌مناسبت‌های آیینی مثل نوروز وچهارشنبه‌سوری وسیزده‌بدر، بدل به‌نمایش‌های مصرفی و نشان دادن فاصله‌های طبقاتی می‌شود؛ همان چیزی که بودیون‌آش‌کلی از خشونت‌نمادین جمعی توصیف می‌کند. ازطرف دیگر، براساس همان اصول چهارگانه‌ای که بیان کردم، آیین‌های ایرانی، آیین‌های مراقبت از دیگری هم هستند؛ این دیگری می‌تواند فرودستان، کودکان، بیماران، فقرا، زندانیان و همه کسانی که با تنگدستی مادی یا تنگناهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مواجه هستند، باشند. اگر یلدا، نوروز و چهارشنبه‌سوری نتوانند مردم را سرعاز دیگری ببرند و به یادآوری دیگری سوق دهند، یا اگر این آیین‌ها به فضاهایی برای تخریب دیگری بدل شوند؛ لازم است که‌بازنگری در سیاست‌های فرهنگی کشور ایجادشود. به‌عنوان مثال، علاوه بر بیان ضرورت و اهمیت آیین‌های ایرانی و توجه‌هر چه بیشتر به آن‌ها در مطبوعات و رسانه‌ها تلاش شود تا در دانشگاه‌ها، میدان‌های شهری و در تمام فضاها نیز همه آیین‌های ایرانی -مثل آیین‌های مذهبی در جامعه، با همان گستردگی- فراگیر شوند. اما درعین‌حال مدام باید این درنگ، تأمل انتقادی را مطرح کرد که اجرای این آیین‌ها نباید و نمی‌تواند به ابزارهای فرهنگی یا فضاهای جدیدی برای تضعیف طبیعت، گسست اجتماعی، اعمال خشونت جمعی یا فاصله‌گیری از فرهنگ ایران منجر شود.

❖ با گسترش نفوذ فضای مجازی بر زندگی روز‌مره مردم، تجربه دیدجیتال شب یلدا(استوری، پست و ویدئو) چه تأثیری بر حس جمعی و هویت فرهنگی گذاشته‌است؟

همه آیین‌های باستانی در دنیای دیجیتال‌ی شده، لاجرم دیجیتالی و مجازی شده‌اند و به شیوه جدیدی رمزگذاری می‌شوند. هر چند این امر اجتناب‌ناپذیر است، اما در این فرآیند مجازی و دیجیتال‌ی شدن آیین‌ها هم می‌توان شاهد شکل‌های جدیدی از خلاقیت و نوآوری فرهنگی در اجرای آیین‌ها بود. به این‌معنا که این آیین‌ها‌با شکل‌هایی تازه از موسیقی، نقاشی، هنرهای تجسمی، داستان، قصه و ادبیات جدید، در حال بازآرایی و زایش مجازی خود هستند. ما شاهد ظهور یلدای مجازی، نوروز مجازی، مهرگان مجازی، سیزده‌بدر و چهارشنبه‌سوری مجازی هستیم. این آیین‌های مجازی‌شده، می‌توانند شکل‌های تازه‌ای از گفت‌وگو و تعاملات را در فضاهای جدید ایجاد کنند؛ به طوری که ایرانیان در لس آنجلس، ونکوور، استرالیا و کشورهای عربی، با مردم داخل ایران با هم در دنیای مجازی این آیین‌ها را اجرا کنند.

اما درعین‌حال مجازی‌شدن یلدا و سایر آیین‌ها موجب می‌شود تا اصول و معنای باستانی آن‌ها با تهدید روبه‌رو شوند. در فضای مجازی بسیار راحت‌تر از فضای واقعی می‌توان مصرف‌گرایی افراطی، خشونت‌نمادین جمعی و اشکال گسترده‌ای از تعارضات طبقاتی را ایجاد کرد. البته نباید به‌نام دفاع از آیین‌ها و نقد آن‌ها، به شکل‌های جدیدی از تخریب این آیین‌ها پیردازیم. یا به‌اسم اینکه این آیین‌ها در فضای مجازی و فضای واقعی ممکن است با اسراف یا مصرف‌گرایی همراه شوند، بنیان‌های هر جامعه ایران را به چالش بکشیم. این آیین‌ها پاره‌ای از تاریخ ایرانی، فرهنگ ایرانی، انسان ایرانی، همچنین پاسخگوی بخشی از نیازهای جامعه هستند. به‌هر حال جامعه برای زیست جمعی و معنادار خود، همیشه به این آیین‌ها توجه و اعتنا داشته و همچنان هم خواهد داشت، اما در کنار آن، حتماً نیاز به گفت‌وگوی انتقادی هست.

❖ «جشن شب یلدا در ایران»

کتاب «جشن شب یلدا در ایران» نوشته حمید سفیدگر شهبانقی، با تمرکز بر خرده‌فرهنگ‌های مرتبط با این شب، اطلاعاتی جامع و دقیق درباره آیین‌ها و رسوم شب یلدا در اقوام و مناطق مختلف ایران ارائه می‌دهد.

این کتاب که توسط دفتر پژوهش‌های رادیو منتشر شده و نسخه الکترونیک آن موجود است، به بررسی تاریخچه، ریشه‌ها و خرده‌فرهنگ‌های مرتبط با این شب می‌پردازد و نشان می‌دهد که شب یلدا یا شب چله چگونه از دیرباز با باور پیروزی نور بر تاریکی و آغاز زمستان گره خورده است.

در پنج فصل این کتاب که شامل آیین‌ها، فال‌ها، سفره، ادبیات شفاهی و ادبیات فارسی است، مراسم و آیین‌های محلی از جمله «چله‌برون» ویژه نوجروسان، بازی‌ها و فال‌های سنتی، سفره آرای، دعاها و افسانه‌های شب یلدا به‌دقت ثبت شده است. همچنین، ارتباط شب یلدا با آیین مهر، میترائیسم و نمونه‌هایی از جشن‌های زمستانی در مصر و یونان باستان مورد بررسی قرار گرفته است تا نشان دهد این جشن بخشی از سنت‌های گسترده انسانی درباره نور و تاریکی است.

خواندن این اثر نه‌تنها برای پژوهشگران فرهنگ عامه و علاقه‌مندان به آداب و رسوم ایرانی بلکه برای هر کسی که می‌خواهد شب یلدا را با درک عمیق‌تری از تاریخ و معنای آن تجربه کند، گزینه‌ای جذاب محسوب می‌شود.

به چهارشنبه آخر سال تغییر دادند. جشن نوروز را هم تلاش کردند تا به‌عنوان سال نو تغییر دهند.

❖ چه عواملی باعث شده‌اند که در سال‌های اخیر رسانه‌ها و نهادهای رسمی، ناگزیر به پذیرش این آیین‌های باستانی شوند؟

در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ تلاش شد تا با حداقل بازنمایی به آیین‌های باستانی، از نوروز گرفته تا سیزده‌بدر، توجه کنند. رسانه‌ها و مطبوعات رسمی به‌خصوص صداوسیما در دهه ۷۰ و حتی دهه ۸۰ سعی می‌کردند که با کمترین بازنمایی یا بهتر بگویم با استقبال سرد، به آیین‌های باستانی بپردازند. با این حال جامعه نه‌تنها برگزاری نوروز را بیشتر و بیشتر گسترش می‌داد؛ بلکه کم‌کم‌وا دهه ۸۰ به‌بعد جشن سده و یلدا نیز با استقبال چشمگیری مواجه شد؛ به‌طوری‌که در سال‌های اخیر جشن یلدا چنان فراگیر شده است که همیشه مردم یلدا را به‌صورت امری طبیعی جشن می‌گیرند و آن دورانی که این جشن‌ها به‌حاشیه‌رانده می‌شدند، پایان یافت. هر چند هنوز از نظر پذیرش و تقویت جایگاه آیین‌های باستانی در سیاست‌های فرهنگی فاصله‌داریم، اما در چندسال اخیر سیاست‌فرهنگی رسمی نیز ناگزیر به پذیرش بیشتر این آیین‌ها شده‌ است. البته همچنان رسانه‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها و دستگاه‌های فرهنگی به آیین‌های مذهبی توجه بیشتری دارند، اما دیگر نمی‌شود گفت که برگزاری آیین‌های ایرانی به‌صورت امری حاشیه‌ای هستند. حتی اسمال برای اولین‌بار جشن مهرگان در گوشه و کنار کشور برگزار شد. سال گذشته وزارت میراث‌فرهنگی، جشن مهرگان را ثبت جهانی کرد و اسمال نیز وزارت میراث‌فرهنگی در نامه‌ای به ادارات کل میراث فرهنگی در استان‌ها اعلام کرد که تمام ادارات میراث فرهنگی در سراسر کشور، برای برگزاری جشن یلدا تلاش کنند. همچنین نهادهای دیگری کم‌وبیش برای شب یلدا فعالیت می‌کنند. در روزهای گذشته در کتابخانه عمومی مرکزی تبریز شاهد بودم که گروه تئاتر کودکان و نوجوان، در حال اجرای تمرین بودند تا بتواند شب یلدا، برای مردم برنامه اجرا کنند. این روند را هم در گوشه‌وکنار کشور، هم از سوی صداوسیما و هم نهادهای دیگر می‌بینیم که می‌خواهند جشن را پاس بدارند و مردم را به این جشن فرا می‌خوانند.

❖ چگونه فرهنگ مصرف و تجاری‌سازی مراسم شب یلدا بر معنای فرهنگی آن تأثیر گذاشته‌است؟

همه آیین‌های باستانی در ایران از نظر تاریخی، چهار مبنای کلیدی دارند. اولین مبنا، پیوند انسان با طبیعت برای مراقبت از آن است. مورد دوم هم اینکه، تمام جشن‌های ایرانی برای شکلی از پاسداشت و مراقبت از ارزش‌های جمعی به‌ویژه ارزش‌های خانوادگی شکل گرفته‌اند. سومین اصل هم این است که تمام جشن‌های ایرانی مبتنی بر ایجاد یا گسترش انسجام مردم، انسجام ایرانی، انسجام اجتماعی است. مورد آخر هم اینکه تمام این جشن‌ها، شکل‌هایی از مراقبت از یکدیگر یا از دیگری هستند. در طول تاریخ آیین‌های باستانی ایران بر این چهار اصلی که ذکر کردم، استوار بوده‌اند، اما در سال‌های اخیر، تغییرات مهمی در اجرای این آیین‌ها و حتی معانی آن‌ها به‌جود آمده است. این تغییرات، متفاوت از تغییرات سیاسی است که نسبت به این آیین‌ها اعمال شده است. این تغییرات عمدتاً به‌ویژه در دو دهه اخیر -تحت‌تأثیر مصرف‌گرایی افراطی در جامعه ایران ایجاد شده‌اند. البته این نکته را باید در نظر بگیریم که هیچ آیین و جشنی را نمی‌توان یافت که در آن خوردن، نوشیدن و مصرف نباشد. اما در فضای جامعه، اتفاق عجیبی که این آیین‌ها را در برگرفته، مصرف‌گرایی افراطی است. با رشد مصرف‌گرایی یا به‌تعبیر پروفسور مجیدتهرانیان، با پیدایش جامعه اسراف به‌تدریج جشن‌ها و آیین‌های ایرانی -حتی آیین‌های مذهبی- به‌شدت درگیر و آمیخته با مصرف‌گرایی شده‌اند. البته این به‌معنای این نیست که همه مردم در برگزاری آیین‌ها اسراف می‌کنند یا مصرف‌گرایی افراطی دارند؛ بلکه کسانی که توان مالی دارند، از این آیین‌ها به‌عنوان فضاهای مصرف افراطی استفاده می‌کنند. ادامه این وضعیت می‌تواند این آیین‌ها را به نتایجی مغایر و متضاد با اصول چهارگانه‌ای که پیش از این بیان کردم، تبدیل کند.

از آنجا که تمام آیین‌ها از جمله شب یلدا در معنای باستانی خود،

شکل‌های دیگری از آیین‌ها به‌ویژه آیین‌های مذهبی در دوران پهلوی دوم شکل می‌گیرند. عده دیگری به‌ویژه روشنفکران نیز به مخالفت پنهان با همین آیین‌های ایرانی می‌پردازند. دلیل آن هم، افزایش انتقاده‌ها از نابرابری و استبداد در پهلوی دوم و ایدئولوژی‌های سیاسی جدید در آن دوره است.

❖ چه تصویری از نسبت آیین‌های باستانی با دین و فقه در گفتمان انقلابی وجود داشت؟

با گسترش ایدئولوژی مذهبی و ایدئولوژی چپ و سوسیالیست‌ها در ایران، تا به قدرت رسیدن نظام دینی در ایران پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ هم شاهد افول آیین‌ها و فرهنگ ایرانی در گفتمان سیاسی رسمی و ایدئولوژی هستیم. در سال‌های اولیه انقلاب ۵۷، آیین‌ها، رسوم و فرهنگ ایرانی به‌حاشیه رانده شد. ازسوی دیگر، برخی جریان‌های تندرو هم بر این باور بودند که آیین‌ها، آداب و سنن ایران باستان متعلق به زرتشت است و با روح و ارزش‌های فقهی ناسازگار هستند. نتیجه مناقشات این بود که برای مدتی این آیین‌ها دیگر در جامعه برگزار نشدند و حتی تلاش‌هایی برای جلوگیری از برگزاری نوروز نیز انجام گرفت، اما به‌سرع‌ت با بروز تغییرات جدید در جامعه ایرانی، برگزاری آیین‌ها به‌منزله شکلی از مقاومت مدنی در برابر گفتمان رسمی ظاهر شد. در این فضای جدید، ابتدا کسانی که با دلایل و علل گوناگون با انقلاب ۵۷ مخالف بودند، برگزاری فرهنگ، آداب و رسوم ایرانی را همچون شکلی از مبارزه با گفتمان رسمی و سیاست فرهنگی حاکم انجام می‌دادند. درعین‌حال بخشی بزرگ از مردم، نوروز، چهارشنبه‌سوری و سیزده‌بدر را، نه به‌منزله مقاومت در برابر گفتمان سیاست رسمی حاکم، بلکه به‌منزله آداب و رسوم سنتی، محلی، خانوادگی و همچنین راه و روشی برای پاسخگویی به نیازهایشان در زمینه حفظ خاطره خانوادگی یا تأمین نیاز به شادی، راهی برای با هم بودن، گاهی حتی به‌منزله راه و روشی برای تولید و بازتولید هویت محلی، این آیین‌ها را برگزار می‌کردند.

❖ بعد از جنگ ایران و عراق، نقش ماهواره، اینترنت و فضای دیجیتال و ظهور کلانشهرها در تغییر تخیل اجتماعی جامعه ایران، از دهه ۱۳۷۰ به‌بعد چه بوده‌است؟

با پایان یافتن جنگ ایران و عراق، کم‌کم فضای کشور برای برگزاری جشن‌ها و شادی‌های جمعی آماده‌تر شد. در همین دوره است که به‌تدریج با گسترش ماهواره‌ها و بعد از آن سایت‌ها و اینترنت از سال‌های ۱۳۷۰ به‌بعد، فضای فرهنگی و تخیل اجتماعی جامعه آماده تغییرات گسترده‌ای شد. با این تغییرات جدید، هر سال نیاز به شادی به‌ویژه شادی‌های جمعی بیشتر و گسترده‌تر شد. همچنین در این دوران، در حوزه عمومی و فضای شهری به‌تدریج با پیدایش و گسترش پاساژها، مراکز خرید، شهرهای نو، فضاهای فراغت و پیدایش قهوه‌خانه‌های جدید، کافی‌شاپ‌ها و تحولات جدید در نتیجه گسترش رفت‌وآمد به کشورهای دیگر و گسترش پیوندهای مردم ایران با دیگر جوامع، فضایی به‌وجود آمد که گرایش جدی و گسترده‌ای در مردم برای برگزاری آیین‌ها و جشن‌های شادی شکل گرفت. همچنین در همین سال‌هاست که برگزاری آیین‌های مدرن مثل جشن ولنتاین در حال شکل‌گیری در ایران بوده و فرهنگ مصرفی جدید هم در شهرها و کلان‌شهرها در حال رشد شتابان بود. از ۱۳۷۵ به‌بعد کم‌کم جامعه ایران در حال تجربه جدیدی از شهرنشینی با ظهور کلان‌شهرهاست وصفهان، مشهد، شیراز، تبریز و به‌تدریج بسیاری شهرهای دیگر هم به کلان‌شهر تبدیل شدند. هم‌زمان با گسترش فضای کلان‌شهری که با کافی‌شاپ‌ها، فضای دیجیتال و مجازی عجین شده، نیاز به برگزاری آیین‌های شادی هم فراگیری بیشتری پیدا کرد.

در چنین فضایی است که هم‌زمان با رونق چشمگیر برگزاری چهارشنبه‌سوری، نوروز و سیزده‌بدر، تنش و اصطکاک بین سیاست فرهنگی رسمی ساختار سیاسی با تحولات فرهنگی روز نیز مطرح شد. تندروها از مفهوم تهاجم فرهنگی غرب، برای مواجهه با این تحولات استفاده می‌کردند. همچنین تلاش می‌کردند تا با دخل‌وتصرف در آیین‌های نوروزی و جلوگیری از فراگیرشدن جشن چهارشنبه‌سوری، مانع از گسترش برگزاری این رویدادها شوند. به‌عنوان مثال نام سیزده‌بدر را به‌روز طبیعت و چهارشنبه‌سوری را هم

❖ «شب یلدا»

کتاب کم‌حجم اما عمیق و غنی «شب یلدا» نوشته علی بلوکباشی، استاد برجسته مردم‌شناسی و پژوهشگر فرهنگ عامه است که در آن با نگاهی علمی و جامع، ضمن توضیح ارتباط بین جشن یلدا با ایزد مهر، میترائیسم و حتی مسیحیت، نشان می‌دهد که واژه «یلدا» در عبری به‌معنی دختر و از ریشه «لدت» به‌معنای تولد و زایش گرفته شده است. همچنین این مردم‌شناس بر جسته با استناد به منابع تاریخی و مردم‌شناسی، پیشینه این جشن زمستانی را از دوران کهن تا دوران پس از سده‌های سوم و چهارم هجری پی می‌گیرد. او

